



«حلقات»

درس صد و یازدهم

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای عطایی کمال

در علم اصول ، پیرامون ادله شرعی در سه محور بحث می شود که عبارتند از :

۱- تعیین دلالت های دلیل شرعی یعنی بحث از قواعد و ضوابط فهم ادله شرعی

۲- اثبات صدور دلیل شرعی یعنی بحث از اثبات حجیت دلیل شرعی

۳- حجیت ظهور دلیل شرعی یعنی بحث از حجیت ظهور بدست آمده از قواعد مطرح شده در محور اول

- بخش اول پیرامون دلالت دلیل شرعی لفظی بود که با مبحث مفاهیم به اتمام رسید.

- بخش دوم پیرامون دلالت های دلیل شرعی غیر لفظی (لُبی) است که در دو عنوان رفتار مع صوم و تقریر معصوم ارائه خواهد شد.

در این درس از فعل (رفتار) معصوم و محدوده دلالت های آن بحث خواهیم کرد.

الدليل الشرعي غير اللفظي يشتمل على الفعل و التقرير فيقع البحث في كل منهما.

دلالات الفعل:

تقدم منا في الحلقة السابقة الحديث عن دلالات الفعل أو الترك، و انه ان اقترن بقريضة فيتحدد مدلوله على أساس تلك القرينة، و ان وقع مجرداً كان له بعض الدلالات من قبيل دلالة صدور الفعل على عدم حرمة، و دلالة تركه على عدم وجوبه و دلالة الإتيان به على وجه عبادي على مطلوبيته إلى غير ذلك، الا ان الحكم المستكشف من الفعل لا يمكن تعميمه لكل الحالات لعدم الإطلاق في دلالة الفعل، و إنما يثبت ذلك الحكم في كل حالة مماثلة لحالة المعصوم من سائر الجهات المحتمل كونها مؤثرة في ثبوت ذلك الحكم على ما مرّ سابقاً.

چند نکته

۱- در علم اصول گاه از ادله شرعی غیر لفظی به ادله لُبی تعبیر می‌شود .

۲- دلالت های فعل معصوم از وسعت کمتری نسبت به دلالت های قول معصوم برخوردار است.

از آنجا که دلیل شرعی بر دو قسم لفظی و غیر لفظی می‌باشد، محور اول، از محورهای سه گانه یاد شده در دو بخش ارائه می‌گردد؛

۳- فعل معصوم عنوانی است که هم انجام یک عمل توسط معصوم را شامل می‌شود و و هم انجام ندادن یک فعل توسط او را در بر می‌گیرد .

۴- اگر قرینه ای مقارن با فعل معصوم بدست آید که وضعیت و ماهیت فعل را مشخص می‌کند، باید تابع آن قرینه بود اما اگر چنین قرینه ای نبود بحث از مدلول فعل معصوم پیش می‌آید که به آن خواهیم پرداخت .

مثال: اگر قرینه ای بدست آمد که امام در مقام تقیّه فعلی را انجام داده اند در این صورت خود آن فعل ، بر هیچ ح کم شرعی دلالت نخواهد داشت و نهایت چیزی که از آن استنباط می‌شود جواز نقیّه می‌باشد.

دلالت های فعل معصوم در صورت نبود قرینه

در امور عبادی :

فعل معصوم در امور عبادی دلالت بر مطلوبیت آن فعل دارد و مطلوبیت اعم از وجوب و استحباب است.

در امور غیر عبادی :

فعل معصوم در امور غیر عبادی حداقل دلالت بر عدم حرمت آن فعل دارد.

نکته ۱: بر اساس برخی مبانی که معصوم را نه فقط تارک حرام بلکه تارک مکروه نیز می‌دانند فعل معصوم در این بخش علاوه بر عدم حرمت، بر عدم کراهت نیز دلالت می‌کند.

نکته ۲: اگر فعلی توسط معصوم ترک شود حداقل دلالت بر عدم وجوب آن فعل دارد.

نکته ۳: اگر مبانی معصوم را ملتزم بر مستحبات نیز بدانند، در این صورت از ترک فعل توسط معصوم، عدم استحباب نیز قابل استنباط است .

نکته ۴: پیامبر اسلام (ص) احکامی داشته اند که مختص به ایشان بوده و دیگر مسلمانان را شامل نمی شود؛ حال اگر پس از مواجهه با حکمی شک کردیم که آیا آن حکم مختص پیامبر اسلام (ص) می باشد یا درباره دیگران نیز جاری می باشد؛ از آنجا که اصل بر عدم اختصاص است، آن حکم برای عموم مسلمین قابل اثبات می باشد.

حدود دلالات فعل معصوم

ضابطه: بخشی از دلالت های فعل معصوم برای ما قابل تمسک است که به شکل قطعی استناد به آن ثابت شده باشد.

دلیل: در ادله لُبّی (غیر لفظی) باید به قدر متیقّن اکتفاء کرد.

توضیح: مدلول فعل و یا ترک معصوم همانند قول او دارای اطلاق و یا عموم نیست تا بتوان حکم استنباط شده از آن را نسبت به همه موارد و شرایط احتمالی تسرّی داد (اطلاق و عموم در لسان قابل تصویر است نه فعل)، بنابراین حکم استنباط شده از فعل و یا ترک معصوم را فقط و فقط به حالاتی همانند و مماثل با فعل معصوم می توان تعمیم داد، البته اگر فعل مماثل با فعل معصوم در ظرف خاصی از شرایط صورت گیرد که در آن ظرف خاص احتمال تغییر حکم داده می شود دیگر نمی توان حکم را به آن مورد تسرّی داد و این به معنای اکتفا به قدر متیقّن است.

مثال: خرید و فروش یک شیء توسط معصوم نهایتاً بر جواز و عدم حرمت یا کراهت آن بیع و موارد مشابه آن دلالت می کند اما از این فعل معصوم نمی توان استنباط کرد که بیع الکترونیکی آن شیء نیز (بدون صیغه و قبض و اقباض) صحیح است.

چکیده:

- ۱- انجام فعلی توسط معصوم در امور عبادی دلالت بر مطلوبیت آن فعل دارد.
- ۲- انجام فعلی توسط معصوم در غیر امور عبادی حداقل دلالت بر عدم حرمت آن فعل دارد.
- ۳- ترک فعلی توسط معصوم حداقل دلالت بر عدم وجوب آن فعل دارد.
- ۴- آن مقدار از دلالت فعل معصوم برای ما حجّت است که به شکل قطعی استناد به آن ثابت شده باشد؛ چرا که در ادله لُبّی به قدر متقین از آن اکتفا می شود.